

بسم الله الرحمن الرحيم

تأثیر مهارت های تربیتی زندگی بر کاهش طلاق

استاد راهنما: مریم یوسفی

گردآورندگان : فاطمه اصلانی، نیره برقی، محدثه خانی ، ریحانه کیانی نیا

حوزه علمیه صادقیه تبریز، آذربایجان شرقی

چکیده

در سال های اخیر پژوهش های متعددی در زمینه طلاق، عوامل موثر بر آن و راه های کاهش آن در ایران صورت گرفته است. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر مهارت های زندگی بر کاهش طلاق و ارائه یک چهارچوب در این زمینه می باشد. روش تحقیق از نوع کتابخانه ای و مروری است. در این پژوهش عوامل موثر بر طلاق و تأثیر یا عدم تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر کاهش طلاق با استفاده از مطالعات کتابخانه ای مانند مقالات، کتب، مجلات، نشریه ها، پایان نامه ها و نمایه های نوشته شده در این زمینه استخراج شد.

این پژوهش از لحاظ ماهیت و هدف، کاربردی است. در این مقاله ضمن بیان مفهوم طلاق و پیامدهای آن، به عوامل موثر بر آن و بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر کاهش طلاق اشاره شده است. به طور کلی میتوان گفت که آموزش مهارت های زندگی و استفاده از این مهارت ها در روابط و تعاملات درون خانوادگی و برون خانوادگی، تأثیر مثبتی بر کاهش طلاق خواهد داشت.

کلید واژه: مهارت های زندگی، طلاق، کاهش طلاق ، خانواده ، مهارت

مقدمه

در این مقاله نویسنده در نظر دارد تا تاثیر مهارت های زندگی بر کاهش آمار طلاق و ارتقای کیفیت روابط زناشویی را بررسی کند. طلاق، از مهمترین پدیده های حیات انسان تلقی می شود توجه به موضوع طلاق نه تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندانش مهم است بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ و اقتصادی و حتی جمعیت قابل اعتناست. با توجه به این که طلاق یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی در جامعه محسوب می شود که به دلیل های مختلفی چون نداشتن شناخت، تفاوت فرهنگی، اعتیاد، نبود تفاهم، دخالت خانواده ها، مشکلات اقتصادی و نداشتن مهارت لازم به وقوع می پیوندد؛ میتواند پیامد های منفی را در اجتماع به دنبال داشته باشد. آموزش مهارت های زندگی، سواد اجتماعی یکی از مهم ترین روش های پیشگیری و کاهش طلاق به شمار می رود. این پژوهش از لحاظ ماهیت و هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که اطلاعات آن از طریق بررسی مقالات، کتب، مجلات، نشریه ها، پایان نامه ها و نمایه های نوشته شده در زمینه علل طلاق و... جمع آوری شده است.

در این پژوهش ابتدا منابع متعدد و مختلف مرتبط، شناسایی شده و مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. سپس پژوهش هایی که معتبر بودند و ارتباط تنگاتنگی با موضوع داشتند، شناسایی و انتخاب شدند. از ملاکهای این انتخاب می توان به میزان ارتباط محتوا با موضوع مورد بررسی و به روز بودن آن اشاره کرد.

۱. طلاق

در فرهنگ معین، ۸ طلاق به معنای جدا شدن زن از مرد و رهایی زن از قید ازدواج طبق شرایط تعریف شده در دین آمده است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۲۷). در اصطلاح فقهی، طلاق به معنای از بین بردن قید و پیوند نکاح از طریق بیان صیغه خاصی است. از دیدگاه علم حقوق، طلاق به عنوان نوعی رفع قید ازدواج تلقی می شود که بر اساس قوانین معین صورت می گیرد. طلاق غالباً راه حل قانونی و متداول برای پایان دادن به ناسازگاری های

زوجین محسوب میشود که معمولاً منجر به فروپاشی ساختار خانواده، قطع پیوند زناشویی، و ایجاد اختلال در ارتباط والدین با فرزندان می گردد (مهرپور و درویشزاده، ۱۴۰۰).

۱-۱. انواع طلاق

طلاق خلع: طلاقی است که در آن زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می دهد، طلاق می گیرد و آن مال نیز ممکن است عین مهریه یا معادل آن یا بیشتر یا کمتر از مهر باشد [ماده ۱۱۴۶] اما طلاق مبادرت که از نظر ساختمان حقوقی با خلع یکی است، طلاقی که کراهت از ناحیه زوجین باشد و عوض نیز زائد بر میزان مهر نباشد [ماده ۱۱۴۷]

طلاق رجعی: رجوع نوعی ایقاع است که به وسیله اراده مرد استوار می شود و با بازگشت او، زوجیت به شکل قبلی خود واقع می شود.

طلاق بائن: بائن از ریشه «البین» گرفته شده که گاه به معنای جدایی و گاه به معنای وصل و از امتداد است [فیروز آباد و بی تا] در این طلاق رجوع برای شوهر ممکن نیست.

۲-۱. عوامل اساسی در بروز طلاق

مطالعات نشان می دهد که عوامل متعددی از جمله ناسازگاری های شخصیتی، مشکلات اقتصادی، و دخالت خانواده ها در روند طلاق نقش دارند. همچنین تأثیرات آن بر کودکان و بنیان خانواده به عنوان یکی از دغدغه های اصلی پژوهشگران و کارشناسان اجتماعی مطرح است.

کارشناسان معتقدند که فرآیند طلاق غالباً از اختلافات جزئی آغاز می شود و به مرور زمان با تکرار و جدی تر شدن این اختلافات، به تدریج نارضایتی ها شدت می گیرد. این فرآیند شامل مراحل زیر است:

- ✓ بروز اختلافات کوچک و نادیده گرفتن آنها.
- ✓ تشدید اختلافات و کاهش تعامل مثبت میان زوجین.
- ✓ شکل گیری بی میلی عاطفی یکی از زوجین نسبت به دیگری.
- ✓ قهرهای طولانی مدت و تکرار درگیری های بی پایان.

✓ خستگی روانی زوجین از مشکلات و تعارضات مداوم.

✓ ورود به مرحله طلاق عاطفی که به کاهش ارتباطات عاطفی منجر می شود.

✓ در نهایت، طلاق رسمی یا قانونی به عنوان پایان این روند (حبیبی، ۱۳۹۵).

پژوهش های اخیر نشان داده اند عواملی مانند عدم تطابق فرهنگی، مشکلات اقتصادی، دخالت های خانوادگی، و تفاوت های شخصیتی و آموزشی نیز به تشدید این روند کمک می کنند. بسیاری از آسیب های اجتماعی مانند خشونت های خانگی، اعتیاد، طلاق، و انحرافات رفتاری، ریشه در مشکلات درون خانواده دارند. آسیب های خانوادگی نه تنها بر فرد آسیب دیده تأثیر می گذارند بلکه بر جامعه به عنوان یک کل اثرات منفی می گذارند و مانع پیشرفت و پایداری اجتماعی میشوند (دژکوهی و دیانتی دوست، ۱۳۹۹).

یکی از مهم ترین این آسیب ها ، طلاق است که پیامدهای گسترده ای برای فرد، خانواده و جامعه به دنبال دارد. این پدیده علاوه بر مشکلات روانی نظیر افسردگی، اضطراب، و کاهش عزت نفس، هزینه های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را نیز به جوامع تحمیل می کند. طلاق نه تنها بر فرد و خانواده تأثیر می گذارد، بلکه از منظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی نیز پیامدهای مهمی دارد. از یک سو، طلاق بر کاهش جمعیت تأثیر می گذارد، زیرا خانواده به عنوان واحد اصلی تولید مثل از هم می پاشد و این امر می تواند منجر به کاهش نرخ باروری شود. از سوی دیگر، طلاق بر کیفیت جمعیت نیز اثرگذار است؛ فرزندان که در خانواده های آسیب دیده از طلاق رشد می کنند، معمولاً از حمایت های عاطفی و مالی کافی برخوردار نیستند. این محرومیت ها می تواند بر رشد اجتماعی و روانی آنها تأثیر منفی بگذارد و باعث شود که این افراد در آینده برای احراز جایگاه های اجتماعی و شهروندی با چالش های بیشتری مواجه شوند (احمدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷).

شواهد نشان می دهد که برخی روندها و تغییراتی که طی دهه های گذشته باعث تحولات اساسی در ساختار خانواده های جوامع غربی شده اند، اکنون به شکل های مختلف در خانواده های ایرانی نیز دیده میشود. از جمله این تغییرات می توان به تغییر جایگاه زنان و توزیع قدرت میان آنها و مردان، افزایش میانگین سن ازدواج، تحول ارزش های اجتماعی، بازنگری در نقش های خانوادگی (مانند نقش زن، شوهر، والدین و فرزندان)، گسترش

فردگرایی و رشد آمار طلاق اشاره کرد. این تحولات نشان دهنده گذار اجتماعی خانواده از الگوهای سنتی به سوی الگوهای جدیدتر و انعطاف پذیرتر است که تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی رخ داده است (خفزی، ۱۴۰۲).

تحلیل آمارهای مرتبط با طلاق و ازدواج در ایران نشان می دهد که هم زمان با افزایش تعداد جمعیت کشور از ۵۶ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ به ۸۲ میلیون نفر در سال ۱۳۹۷ تعداد ازدواج هاز ۴۵۳ هزار در سال ۱۳۷۰ به ۷۳ هزار در سال ۱۳۹۷ تعداد طلاق هاز ۴۰ هزار به ۱۶۹ هزار مورد در همین بازه زمانی افزایش یافته است (سالنامه سازمان ثبت احوال ۱۳۹۶ و گزارش سازمان ثبت احوال ۱۳۹۷). با توجه به جمعیت جوان کشور و رشد سریع جمعیت در دهه ۱۳۶۰، این افزایش ها قابل پیش بینی بود. با این حال، از سال ۱۳۹۱ به بعد، روند ازدواج در کشور کاهشی بوده، در حالی که آمار طلاق به طور مداوم افزایش یافته است (سالنامه سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۹۹). این تغییرات بیانگر تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی کشور هستند که نیازمند تحلیل دقیق و سیاست گذاری های متناسب اند (توکلیان و همکاران، ۲۰۲۳).

پژوهش های علمی تأیید کرده اند که ضعف در مهارت های ارتباطی، نبود همدلی، و عدم حل مؤثر اختلافات از عوامل کلیدی افزایش نرخ طلاق به شمار می روند. مطالعه ای نشان داده است که ۶۱٪ از افراد مطلقه، تعارضات بیش از حد را به عنوان یکی از دلایل اصلی جدایی خود ذکر کرده اند. علاوه بر این، عدم رضایت زناشویی ناشی از سبک های دلبستگی و ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر بین زوجین نیز به طور معناداری با طلاق مرتبط است (مردانی و همکاران، ۲۰۲۱).

پژوهش ها نشان می دهند که پیوندهای اجتماعی قوی و ارتباطات مثبت خانوادگی نقش مؤثری در بهبود سلامت روان دارند. تعامل با دوستان و اعضای خانواده، نه تنها باعث تقویت احساسات مثبت می شود، بلکه در کاهش استرس و مقابله با مشکلات زندگی نیز مؤثر است. افراد با ارتباطات اجتماعی سالم، بهتر می توانند به هیجانات خود نظم دهند و در مواجهه با چالش های روزمره، از حمایت عاطفی و روانی برخوردار شوند. همچنین، یادگیری مهارت های

دارد و زمینه بهره مندی از عقل را فراهم می سازد مذهب به انسان ایده می دهد از موهومات و تخیلات دور می سازد و افکار و اندیشه های صالح در انسان به وجود می آورد. تربیت دینی برای طفل ، امری ضروری و حیاتی است. او در زندگی آینده نیازمند به ستون پایداری است که به هنگام تزلزل به آن تکیه شود و در مسیر نائل شدن به هدفش نلغزد. از سوی دیگر انسان در مواجهه با مشکلات و حوادث زندگی نیازمند قدرتی تسلی بخش است و مذهب، چنین قدرتی را در انسان ایجاد می کند.

۵. بررسی متون و مستندات

در پایگاه های داده گوگل اسکالر، وب ساینس، پاب مد، اسکوپوس، گوگل، پروکوئست، ایران مدکس، اس آی دی، مدلیب و ایراندک کلید واژه های طلاق، جدایی، عوامل تاثیر گذار بر طلاق، مهارت های زندگی، تاثیر آموزش بر کاهش طلاق و کاهش طلاق جستجو گردیده و از بین مقالات یافت شده، تعدادی را که دارای ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش بودند برگزیده شدند.

نتیجه گیری

خانواده ، نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی است و هیچ جامعه ای نمی تواند بدون برخورداری از خانواده های سالم، ادعای سلامت و پایداری داشته باشد. خانواده امروزه با چالش های متعددی مواجه شده است که یکی از اصلی ترین آنها طلاق می باشد. که تأثیرات و مشکلات مخرب فراوانی برای فرد و جامعه در پی دارد مانند بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان ، اضطراب ، پرخاشگری، و عصیان در نوجوانان ، سوء ظن ، بد بینی نسبت به دیگران ، فرار از منزل و کج روی های اجتماعی { قتل، دزدی ، فحشاء و ... } ضعف اعتماد به نفس و اختلال هویت و ... اشاره کرد. ولی با آموزش مهارت های زندگی مانند افزایش توانایی سازگاری فرد با محیط ، ارتقای سلامت روانی و بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی و تقویت سواد اجتماعی می توان زمینه ارتقای کیفیت زندگی را فراهم آورد. همچنین یکی دیگر از مهارت های زندگی کسب مهارت معنوی زوجین است که باعث می شود انسان در مواجهه با خیل عظیم مشکلات زندگی دارای قدرتی تسلی بخش باشد و بر مشکلات فائق آید و گامی بلند در کاهش میزان طلاق بردارد.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. احمدی مقدم، افسانه، "بررسی زمینه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طلاق". اولین کنگره ملی پیشگیری از آسیب های اجتماعی، اسفراین. ۱۳۹۷
۲. بکعان، سحر؛ صفرزاده، سحر. "اثربخشی آموزش غنی سازی زندگی زناشویی مبتنی بر هیجان در دوران بارداری بر عشق، رفتارهای فداکارانه و سواد سلامت جنسی زوجهای جوان"، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، (۱) ۶۲، ۱۴۰۲.
۳. حبیبی، مرجان. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان طلاق. چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۴. دژکوهی، محمدجواد و دیانتي دوست، دردانه. "نظام خانواده". پنجمین همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران، ۱۳۹۹.
۵. رئیسی، لیلا؛ قاسمی، زهرا؛ سالاری فر، محمد رضا؛ "تدوین بسته آموزشی پیشگیری از طلاق عاطفی زوجین مبتنی بر آموزه های اسلامی". مطالعات اسلام و روانشناسی، ۱۷(۳۳)، ۱۴۰۲.
۶. رضاوندی، منوچهر، و شکری، الناز. "تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر کاهش طلاق عاطفی و ارتباط موثر در زوجین در آستانه طلاق". کنگره انجمن روانشناسی ایران، ۱۳۹۶.
۷. شمال احمدآبادی، مهدی؛ آقایی میبیدی، فاطمه؛ محمدی احمدآبادی، ناصر؛ برخورداری احمدآبادی، عاطفه. "اثربخشی آموزش مهارت های مبتنی بر سواد عاطفی بر کاهش طلاق عاطفی و احساس تنهایی در زنان خیانت دیده". رویش روانشناسی، (۶) ۹، ۱۳۹۹.

۸. خفري، ندا. "مطالعه تغييرات الگوي خانواده با تاکيد بر نقش شبکه‌های اجتماعی: پژوهش کیفی". خانواده درمانی کاربردی، ۴(۴)، ۱۴۰۲.

۹. معین، محمد. فرهنگ فارسی. جلد ۱، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ادنا، ۱۳۸۱.

۱۰. مهرپور، حسین؛ درویش زاده، محمدجواد. "تحدید قاعده حاکمیت بی قید و شرط زوج بر طلاق در فقه و حقوق موضوعه ایران". فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۱)، ۱۴۰۰.

۱۱. وثیقی ذاکر، مریم و داداشی، مرتضی و حیاتی، مژگان. "اثربخشی آموزش مهارت های زندگی زناشویی بر کاهش طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی زوجین شهر همدان". سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران. ۱۳۹۶.

منابع انگلیسی

Grevestein, D; Bluemke, M; Schweitzer, J; Aguilar-Raab, C. (۲۰۱۹). Better family relationships—higher well-being: The connection between relationship quality and health related resources. *Mental Health and Prevention*, ۱۴.

Mardani M, Marashi S A, Abbaspour Z. (۲۰۲۱). On the Causal Relationship Between Attachment Styles and Marital Satisfaction: Mediating Role of Gottman's Marital Communication Model. *Iran J Psychiatry Behav Sci*. ۱۵(۲).

Tavakolian, N., Hassan Lotfi, M., Taheri Soodejani, M., Madadzadeh, F., & Kalantari, F. (۲۰۲۳). The trend of marriage, childbearing, and divorce and its determinants of socio-economic factors on divorce in Yazd province ۲۰۱۶-۲۰۲۱: A cross-sectional

study. International journal of reproductive biomedicine, ۲۱(۸), ۶۵۷–
۶۶۶.